بدون عنوان

شماره پرسش: ۲۹۲۹۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۸/۴ ۰۹:۲۷:۲۳

متن پرسش

درود بر استاد: در مقابل حق هیچ وجودی قابل فرض نیست یا هیچ عدمی هم قابل فرض نیست و اگر عدم مطلق را مقابل نفس رحمانی بدانیم درین صورت صرفا می‌توان گفت فقط در عالم واقع حق عدم ناپذیرست و در عالم ذهن و بخصوص خیال و وهم که موطنی از مواطن وجودیند برای حق می‌توان عدم متصور شد و این شاید نافی این باشد که در سیر دیالکتیکی بسوی حق باید بوجودی رسید که هاضم جمیع وجودات و اعدام باشد و ما متذکر شدیم که عدم ذهنی عدم خیالی و عدم وهمی در مقابل حق علم افراشته اند و آن واحد هاضم این ثالث نیست و بنابرین وحدت وجود باطلست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مقدمات بحث آشفته است. به نظر می‌آید اگر به کتاب‌هایی که بحث «وحدت شخصیه‌ی وجود» را مطرح می‌کنند رجوع فرمایید، مطلب برایتان روشن می‌شود. مثل کتاب «مبانی عرفان نظری» از استاد یزدان‌پناه. در این رابطه می‌توانید در قسمت جزوات سایت، به جزوه‌ی «مبانی نظری عرفان در اسلام» به آدرس زیر رجوع فرمایید.موفق باشید

http://lobolmizan.ir/leaflet/۱۳۴۴/%D۹%۸۵%D۸%A۸%D۸%A۷%D۹%۸۶%DB%۸C-%D۹%۸۶%D۸%B۸%D۸%B۱%DB%۸C-%D۸%B۹%D۸%B۱%D۹%۸۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۸%A۷%D۸%B۳%D۹%۸۴%D۸%A۷%D۹%۸۵-%D۹%۸۵%D۸%A۸%D۸%A۷%D۸%AD%D۸%AB-%C۲%AB%D۸%A۷%D۸%B۹%DB%۸C%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۸%AB%D۸%A۷%D۸%A۸%D۸%AA%D۹%۸۷%C۲%BB%C۲%AB%D۹%۸۸%D۸%AC%D۹%۸۷-%D۸%AE%D۸%A۷%D۸%B۵%C۲%BB